

از لابلای نبشته های روزمره

افغانستان بمثابه قرارگاه رهبری عملیات فرا منطقی

تناظر منفی یا تفاهم بین المللی؟

پروسه های معین در شرف تکوین اندرین ماجرا

در اینجا، بمثابه مقدمه متذکر باید گردید که بررسی بسیاری از مسایل و موارد در زندگی اجتماعی به مفهوم وسیع کلمه، آنچه شرط انصاف است، رعایت نمی شود، گاه نظر غیرقابل قبول یک فرد نزدیک به یک فرقه را بهمان فرقه نسبت می دهند و یا نظر تردید آمیز فردی را که در فرقه پذیرفته نشده است، دیدگاه ضروری آن فرقه محسوب می نمایند، یا دیدگاههای مغرضانه دشمنان و مخالفان را دیدگاههای مسلم یک فرقه دیگر زکرمی کنند. این وضعیتی است که از گذشته وجود داشته و همچنان هم ادامه دارد. منظور از دیدگاه فقهی، نوعی احکام شرعی پذیرفته و بکار رفته در هر مذهب و منظور از دیدگاه کلامی، درجه پذیرش خرد گرایی در هر یک از مذهب هاست.

با مطالعه و بررسی همه جانبه اوضاع و احوال کنونی کشور عزیز ما افغانستان، این واقعیت برملا می گردد که بگو مگوهای فراوانی در عرصه های یادشده، رویارویی های تباه کننده ای را بیار آورده و مسبب بسیاری از حالات و وضعیت ناگوار در کشور محسوب می گردد. از جمله، یادآور باید شد که در این اواخر، جنگ و نبرد شدیدی میان "خلافت اسلامی" (داعش) و "طالب" ها آغاز گردیده و بیش از پیش در حالت گسترش می باشد. چندی قبل، جنگجویان "طالب" ها، حملاتی را بر میدان هوایی شهر کندهار انجام دادند، هدف عمده مهاجمان یکی از جمله تأسیسات ناتو بود که در آنجا موقعیت داشت. خاطرنشان باید نمود که میان گروههای یادشده مبارزه ایدئولوژیکی نیز با حدت و شدت خاصی جریان دارد. جنگجویان "خلافت اسلامی" (داعش)، "طالب" ها را متهم به خدمتگذاری جهت تأمین منافع دولت های پاکستان و ایران نموده و اما در مقابل، "طالب" ها جرم ها و جنایات های نیروهای مخالف را علیه مردمان ملکی و حضور غیرقانونی آنها را در اراضی افغانستان بشدت محکوم مینماید. هدف "خلافت اسلامی" (داعش) در افغانستان، چنانچه بکرات اعلام میدارند از جمله یکی هم «حذف "خط دیورند" می باشد که کشور های افغانستان و پاکستان را از هم مجزا نموده است» آنها معتقدند که موجودیت این "خط"، سبب تیره گی

بیش از پیش مناسبات دوکشور همجوار شده و در حدود بیشتر از یک سده مناقشات مرزی میان دوکشور، تیرگی روابط و مخاصمتها در منطقه را بیش از پیش دامن زد. تلاش وجد و جهد «خلافت اسلامی» (داعش) بمنظور ایجاد و تشکیل ایالت تاریخی "خراسان" تحت زعامت و رهبری خلیفه البغدادی و همچنین حذف و پاک کردن سرحدات افغانستان با ایران، تاجیکستان و دیگر کشورهای منطقه، از اولویتهای کاری آنها را تشکیل میدهد. آنها باصراحت اظهار داشته و اعلام میدارند که «ما از کابل بجانب آسیای مرکزی مسیر حرکت خویش را تعیین نموده ایم، اما در هر قدم، به محو و نابودی "طالب"ها مبادرت خواهیم ورزید».

گفته های فوق، متعلق به شخص بختیار میباشد که اخیراً بمنابه "امیر" ولایت ننگرهار گماشته شده است.

جنگجویان طریقت "خلافت اسلامی" (داعش)، ادعا می نمایند که تعداد بیشماری از "طالب"های جوان، پس از ختم دوره های آموزشی در مدرسه های اسلامی، وارد صفوف آنها شده و به مبارزات خویش ادامه می دهند. مطابق گفته های یکی از آنها در طول مدت زمان سه ماه، بتعداد ۲۵۰۰ نفر از طلبه ها بمنظور تداوم جنگ استخدام گردیده و همین اکنون، در حدود ۱۳۸۰ نفر از آنها در اراضی مربوط به ولایت ننگرهار، سرگرم ویرانی و آدمکشی می باشند. البته این مسأله کاملاً واضح و روشن می باشد که جذب سربازان و افراد جدید، این مفکوره را بیش از پیش تقویه می نماید که "طالب"ها، بصورت کل، جاذبه خویش را بخصوص میان جهادپرستان های جوان از دست می دهند. به تعقیب مرگ ملا محمد عمر که الی اعلام رسمی مرگش، هویت اساطیری کسب نموده بود، میان صفوف "طالب"ها دودستگی و حتی چند دستگی را سبب گردیده و به علت مخفی نگهداشتن مرگ نامبرده، انگشت انتقادها جانب مولوی منصور نشانه رفت، نامبرده متهم گردیده که در خدمت استخبارات پاکستان قرار داشته و جهت تأمین منافع نظامیان آن کشور جد و جهد می نماید، در چنین یک وضعیتی، میان "طالب"ها خلای سازمانی بوجود آمد.

در واقع، حضور قابل توجه "خلافت" نامبرده، در مناطق مختلف کشور و با فایق آمدن آنها بر "طالب"ها در ولایت ننگرهار، به تشکیل اردوگاه های آموزشی از جمله در لوگر (در ۶۰ کیلومتری کابل)، نیز مبادرت ورزیدند، اما نباید فراموش نمود که همین اکنون در منطقه یادشده، جنگ بشدت جریان دارد. در بعضی از مناطق ننگرهار، "خلافت اسلامی" (داعش)، از جمله در اچین و بسیاری از بخشهای دیگر ولایت منذکره، اصول و مقررات منحصر بفردش را اعمال نموده، سیستم مالیه دهی برای اهالی را تعیین نموده، نوشیدن مشروبات الکولی و مصرف سگرت و انواع دخانیات را اکیداً ممنوع قرار داده و مردم را از شنیدن موزیک نیز بر حذر داشتند. نه تنها محدودیت های فوق توسط "خلافت اسلامی" (داعش) مرعی الاجراً قرار گرفت، بلکه همچنان و بیش از پیش، چنین امری، شتاب حاصل نمود. جامعه افغانی، بخصوص مناطق دور افتاده کشور تا کنون مطابق ضوابط قبیلوی اداره میگردند، بنأء، "خلافت" نامبرده در محلات نامبرده به علت موجودیت رهبران و بزرگان قومی و قبیلوی، موفقیت و دستاورد چندانی نداشت.

چندی قبل، حافظ سعید، عضو قبلی سازمان "تحریک طالبان پاکستان"، بمنابه رهبر "خلافت" یادشده در ایالت خراسان تعیین گردید. قابل تذکر اینداشته می شود که موجودیت جنگجویان پاکستانی که بسیاری از اهالی، آنها را بمنابه عاملان اصلی جرایم و خشونت می پندارند، بخودی خود، از جمله عوامل بازدارنده گسترش "خلافت اسلامی" (داعش)، محسوب می گردد.

تجربه سوریه

مطابق اطلاعات روزنامه نظامی "جانس"، حلقه پاکستانی "خلافت اسلامی" (داعش)، زمانیکه در خراسان، بسال ۲۰۱۴، تأسیس گردید، در حدود یکصد جنگجوی "تحریک طالبان پاکستان" و گروه بندی

تروریستی ضد شیعه پاکستان و " لشکر جنگوی " در سوریه حضور یافتند تا به نیروهای شورشی و تشدد طلبان مخالف حاکمیت سوریه پیوسته و در امر مبارزه آنها شرکت فعالی نمایند. آنها در کنار آمادگیهایی نظامی بمنظور اجرای نحوه مبارزه مسلحانه، در کشورهای شان به فراگیری زبان عربی نیز مبادرت ورزیدند. پس از اعلام رسمی شناخت ایالت خراسان بمتابه بخشی از " خلافت اسلامی " (داعش)، جنگجویان پاکستانی مجدداً به منطقه یادشده باید باز گردیده تا به سازماندهی و انجام عملیات های مورد نظر تحت رهبری سعید درکشورما مبادرت ورزند. اما مطابق اعلامیه البغدادی رهبر " خلافت اسلامی " (داعش)، تعیین رهبر پاکستانی از لحاظ آرمانی، غیر عملی محسوب می گردید. یادآور باید شد که از نقطه نظر " دولت " متذکره، افغانستان هنوز هم در امر تشکیل خراسان و تسخیر کشورهای آسیای مرکزی، میتواند نقش ستراتیژیک داشته باشد.

در حال حاضر، بتعداد ۱۵ واحد اداری تحت اداره " دولت اسلامی " (داعش) فرض میگردد که از آنجمله بتعداد ۶ واحد در مناطق خودمختار قبایلی پاکستان موقعیت خواهند داشت، هر منطقه به ایالات ها منقسم گردیده که توسط " ولی " (عنوان تاریخی مسوولان محلی در امپراطوری اسلامی) اداره خواهند شد. مسأله ای را که همیشه مورد تأکید قرار میدهند، اینست که: «یگانه تقاضا در مورد اینست که در این جمع، اهل تشییع و هزاره ها موجود نباشند».

ماهیت عمیق فرقه ایی جنبش متذکره، بیش از پیش، مناسبات و روابط میان اسلامیت های مختلف را با گروه های اتنیکی و قبایلی که به افغانستان فرستاده میشوند، با مشکل و موانع عدیده ای دچار می سازد. یکماه قبل، در حدود ده هزار نفر با سردادن فریادهای «طالب ها بس است (!) " خلافت اسلامی " (داعش) کافی است (!)» در نزدیکی دروازه های ارگ کابل گردهم آمده و نفرت و انزجارشانرا بخاطر قتل بیرحمانه هفت نفر از هموطنان هزاره ما که در مربوطات ولایت ذابل به شهادت رسیدند، ابراز داشتند.

آیا افغانستان به قرارگاه فرماندهی داعش تبدیل خواهد شد؟

تقلید مبارزه ائتلاف امریکایی علیه " خلافت اسلامی " (داعش) درکشور سوریه، این واقعیت را برملا می سازد که از سیل پناهجویان بمتابه سلاح دیموگرافیک استفاده ایزاری صورت خواهد گرفت که در چنین صورتی، میتواند در مراحل بعدی نیز کاربرد داشته باشد. در اینمورد قابل ذکر پنداشته میشود که بااستفاده از چنین وضعیت و نقل و انتقال مهاجران درکل، خطر تبدیل افغانستان به مرکز و پایگاه تروریست های " خلافت اسلامی " (داعش)، نیز موجود می باشد.

هرچند، نسبت و تناسب میان خروج قوای نظامی و حضور سربازان و نظامیان امریکایی ازکشورما، هرچه باشد، از اعمال نفوذ ایالات متحده بر افغانستان اصلاً نمی کاهد، در مقابل، ایالات متحده بدنبال موقعیت ایده آل جیوستراتیژیکی بمنظور ایجاد تهدید علیه ایران و کشورهای آسیای مرکزی و منطقه خودمختار سیکیانگ - ایگورچین، می باشد.

آخرین اخبار و اطلاعات مبین این امر می باشد که در ولایت بغلان، در طول مدت زمان چندین ماه، تعداد بیشماری از جنگجویان داعش تجمع نموده و بر مناطقی که قبلاً تحت تصرف "طالب" ها قرار داشت، جابجا گردیده اند. در شرایط و وضعیتی که تقابل و رویارویی میان جنگجویان "طالب" ها و افراد منسوب به داعش جریان دارد، آیا امر صلح در کشور، در دورنما و چشم انداز آینده ها، بمتابه واقعیت دست نیافتنی محسوب می گردد؟ سوالیست که ذهن همه را بخود معطوف داشته است. بنأء، در وضعیت و

حالت کنونی، وظیفه و رسالت توسط مبصران غربی چنین تعریف می گردد که افغانستان بطور اتوماتیک باید تحت نظارت و کنترل ایالات متحده قرار داشته باشد. به ترتیب، استفاده بدنام از سلاح دیموگرافیک باعث خواهد شد تا جریان مهاجرت ها اگر در جنوب متوقف نگردد، از آسیای مرکزی به شمال یعنی در روسیه تجمع خواهند نمود. در مجموع پلان ستراتیژیک، این به معنای اتمام تشکیل و ایجاد دور باطل عدم استقرار و بی ثباتی از شرق میانه الی سین کیانگ و جنوب آسیا خواهد بود. در آغاز ماه جنوری سالروان، رهبران "خلافت" نامبرده از تشکیل و ایجاد سلول های منطوقی "امارت خراسان" که ساحه فعالیت و عملکردهایش شامل افغانستان، پاکستان، هندوستان و بنگله دیش می گردد، خبر دادند. مسولیت رهبری سلول های متذکره برعهده حافظ سعید خان، رهبر قبلی جنبش "طالب" های پاکستان (تحریک "طالب" های پاکستان) میباشد. عده ای معتقدند که تجربه عراق و سوریه این مسأله را به اثبات می رساند که در چنین حالتی، تداوم و سیر وقایع و حوادث با ترور و اختناق همراه خواهد بود و در نتیجه، هموطنان هزاره و اهل تشیع کشور به ایران فرار خواهند نمود، و زنداران ازبک و ترکمن و تاجیک ما به جمهوری های آسیای میانه و هم میهنان پینتون ما نیز به پاکستان رحل اقامت خواهند افکند. همزمان با آن، فعال ساختن نیروه ها و سلول های در حال خواب "دولت اسلامی" (داعش) که در ایالت سین کیانگ چین بسر می برند، نیز صورت عملی بخود خواهد گرفت.

چندی قبل، معاون ولسی جرگه کشور، علناً شخص معصوم ستانکزی سرپرست وزارت دفاع کشور و حنیف اتمر مشاور امنیت ملی رئیس جمهور را متهم نمود که به رهبری حلقه استخباراتی انگلیس، جنگجویان "خلافت اسلامی" (داعش) را در امتداد سرحدات افغانستان با ترکمنستان و تاجیکستان جابجا نموده و مسولیت نقل و انتقالات آنها را برعهده دارند. بدین منظور از نیروهای ترانسپورتی هوایی نظامی بشمول هلیکوپترهای می ۱۷ نیز کار گرفته می شود. منابع موثقی در کشور این واقعیت را نیز برملا نمودند که از طریق هلیکوپترهای چینوک امریکایی برای جنگجویان نامبرده سلاح و مهمات پرتاب می گردد، اشرف غنی، رئیس جمهور کشور، کمیسیون خاصی را بمنظور بررسی موضوع متذکره موظف نمود، اما ناظران معتقدند که امر یادشده با تفاهم دولت مرکزی افغانستان انجام می گیرد.

قابل تذکر می باشد که شکل گیری خطرات در کشور ما در وضع کنونی، رئوس مطالب و مسایل مورد بحث را تشکیل می دهد. در مورد متذکر باید گردید که بیشتر از یک هزار و پنجمصد تن از جنگجویانی که به داعش سوگند وفاداری یاد نموده اند، بسیاری از مناطق مربوط به ولایت ننگرهار را تحت تسلط و تأثیر خویش قرار داده و حتی شهر جلال آباد نیز مورد تهدید جدی قرار گرفته است. بسیاری از باشندگان مناطق متذکره، مجبور به ترک محل زیست شان شدند. اگر "طالب" ها، بصورت یک کل، متشکل از پینتون های افغانستان و پاکستان می باشند، اما بگفته جنرال دولت وزیری، سخنگوی وزارت دفاع ملی کشور، در میان جنگجویان داعش، بسیاری از عرب ها، ازبک ها، چینی ها و ایگورها نیز موجود می باشند، نامبرده ادامه داده افزود که در حدود چهل درصد از جنگجویان شامل نبرد در افغانستان، خارجی ها می باشند، متوجه باید بود که با تحت فشار قرار گرفتن تروریست ها در سوریه، آنها نیروهایشان را به دیگر مناطق جهان بازنویسی می نمایند.

بیست و ششم ماه دسامبر سال ۲۰۱۵